info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۵۶
چهارشنبه ۱۶/ بهمن/ ۱۳۹۸
۱۰/ جمادی الثانی/ ۱۴۴۱
05 /Feb/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کریم طباطبائی تلهون، خیابان فرهنگ، جنب کافون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

نفس

تو همان دمسازی
که به دل می سازی
تو نفس
باز نفس
باز
نفس
می سازی

محبوبه یوسف پور

محیط زیست

جریمه سنگین پلیس ایتالیا برای تخطی از مقررات زیست محیطی

پلیس ایتالیا در کمتر از ۳ ساعت ۱۶۲ راننده را به دلیل تخطی از قانون منع تردد در میلان جریمه کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، این ممنوعیت موقت از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یکشنبه ۱۳ بهمن به وقت محلی آغاز شد و تا اوایل عصر در تلاش برای کاهش آلودگی هوای این شهر ادامه داشت.

در همین حال پلیس این شهر ظرف تنها دو ساعت و نیم افرادی را که از این ممنوعیت سرپیچی کرده بودند با جریمه‌های ۱۶۴ یورویی مجازات کرد.

میلان در سال ۲۰۰۸ میلادی به عنوان آلوده‌ترین شهر اروپا شناخته شد و دود و آلودگی هوا همچنان یک مشکل جدی در این شهر محسوب می‌شود.

به گزارش رسانه‌های محلی، در ساعت ۱۲:۳۰ ظهر روز یکشنبه به وقت محلی ۶۲۱ مورد کنترل روی تردد خودروهایی صورت گرفت که رانندگان آنها به روز "پیاده‌روی یکشنبه" پاینده نماندند. این ممنوعیت شامل وسایل نقلیه برقی یا ماه‌مولیون نمی‌شود. همچنین برخی از خیابان‌ها به خصوص به منظور دسترسی به ورزشگاه سن سیرو آث میلان باز مانده است.

این نخستین باری نیست که تردد خودروها در محدوده شهری میلان ممنوع شده هرچند این طرح محبوبیت زیادی بین شهروندان ندارد.

ماه گذشته میلادی چندین شهر ایتالیا از جمله رم و همچنین میلان وسایل نقلیه دیزلی را پس از افزایش سطح آلودگی هوا به طور موقت ممنوع اعلام کردند.

تولید گازهای گلخانه‌ای وسایل نقلیه رایج‌ترین منبع ریز ذرات خطرناک برای سلامتی است که با عنوان PM10-S و PM 2.5 شناخته می‌شوند.

واکنش سازمان هواشناسی به عملیات مجدد بارورسازی ابرها

مرکز ملی تحقیقات و مطالعات باروری ابرها در حالی اعلام کرد است که امسال هفت میلیارد تومان بودجه برای عملیات بارورسازی ابرها در نظر گرفته شده است و از دو هفته آینده این عملیات آغاز می‌شود که رئیس سازمان هواشناسی می‌گوید بارورسازی ابرها شاید در حد بارش برای یک مزرعه یا شخگو باشد اما به هیچوجه در مقیاس شهر و کشور جوابگو نخواهد بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، سحر تاجیخش با بیان اینکه قرائد بارورسازی ابرها غیرممکن نیست، گفت: هدف از بارورسازی ابرها بسیار مهم است. بارورسازی ابرها سبب رفع خشکسالی کشور یا افزایش ذخایر آب زیرزمینی نمی‌شود. سازمان جهانی هواشناسی نیز بیان کرده است که بارورسازی ابرها نمی‌تواند در رفع خشکسالی موثر باشد.

به گفته تاجیخش، در کشور امارات نیز مدت‌ها روی پروژه بارورسازی ابرها کار کرده و به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. شاید بارورسازی ابرها در حد بارش برای یک مزرعه یا شخگو باشد اما به هیچوجه در مقیاس کلان جوابگو نخواهد بود و سبب افزایش ذخایر آبی کشور نمی‌شود.

رئیس سازمان هواشناسی کشور افزود: برای بارورسازی ابرها نیاز به اطلاعات جوی و هواشناسی است. برای مثال باید ابر خاصی را در ارتفاع مشخصی بارور کرد. همچنین سایر عوامل جوی از جمله باد در امر بارورسازی ابرها موثر است. ما تاکنون تبادل اطلاعات هواشناسی با دستگاه‌های مختلف برای بارورسازی ابرها نداشته‌ایم اما بانک اطلاعاتی مشترکی از اطلاعات هواشناسی بین دستگاه‌های مختلف وجود دارد که ممکن است برای بارورسازی ابرها از آن اطلاعات استفاده کنند.

عملیات بارورسازی ابرها برای نخستین بار در سال ۹۵ انجام شد. به گفته قربد گلنگار - رئیس مرکز ملی تحقیقات و مطالعات باروری ابرها - مدتی در اجرای عملیات بارورسازی ابرها وقفه ایجاد شد اما دوباره امسال هفت میلیارد تومان بودجه برای این مساله در نظر گرفته شده است.

در حالی که سازمان هواشناسی کشور تاکید می‌کند بر اساس داده‌های علمی و تجربه‌های بین‌المللی، پروژه بارورسازی ابرها به هیچ عنوان تاثیری بر افزایش بارش و رفع خشکسالی در کشور ندارد، انتظار می‌رود دستگاه‌های متولی و مجری مستندات خود در اجرای مجدد عملیات بارورسازی ابرها را منتشر کنند.

۴۰۹۸۵ امروز با حافظ

گلی کان پایمال سرو ما گشت
بود خاکش از خون ارغوان به
به خلدم دعوت ای زاهد مفرما
که این سیب زنخ زان بوستان به

خوش

انگار با تمام جهان وَصل می‌شوم
در لحظه‌ای که می‌کِشَمَت تَنگ در بغل

حسین منزوی

اذان صبح ۰۵:۳۹ | طلوع آفتاب ۰۷:۰۷ | اذان ظهر ۱۲:۲۱ | غروب آفتاب ۱۷:۲۵ | اذان مغرب ۱۷:۵۳

برگه

برای آزادی لازم نیست زمین و آسمان را بخرید، تنها خودتان را نفروشید.

نلسون ماندلا

تلنگر

چند میلیون یورو به کنترل ریزگردها رسید؟

سرپرست سازمان جنگلها و مراتع آبخیزداری کشور اعلام کرد که ۱۰۰ میلیون یورو برای کنترل ریزگردها اختصاص داده شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا دکتر خسرو شهبازی سرپرست سازمان جنگلها و مراتع آبخیزداری کشور در مراسم افتتاح ۶۷ طرح آبخیزداری گفت: یکی از وظایف اصلی وزارت جهاد کشاورزی مدیریت متابع طبیعی است که ۸۵ درصد از وسعت کشور را شامل می‌شود.

وی با تاکید بر اینکه منابع صندوق ملی باید در جایی هزینه شود که کاری ماندگار برای نسل‌های آینده باشد، اظهار کرد: در همین راستا ۱۵۰ میلیون یورو به بحث‌های آبخیزداری و آبخوانداری اختصاص پیدا کرده و در ۱۰۳۲ حوزه آبخیز و ۱۰ هزار قطعه کاری در کشور این پروژه‌ها انجام می‌شود.

سرپرست سازمان جنگلها و مراتع آبخیزداری کشور با بیان اینکه ۱۰۰ میلیون یورو نیز جهت کنترل ریزگردها اختصاص داده شده که ۲۰۰ میلیارد تومان برای شمال استان کرمان در نظر گرفته شده است، افزود: تا پایان سال جاری ۴۹۹ پروژه در بخش‌های مختلف متابع طبیعی با هزینه کرد ۵۲۲ میلیارد ریال به بهره‌برداری خواهد رسید.

۶۷ طرح آبخیزداری با حضور دکتر شهبازی معاون وزیر جهاد کشاورزی و سرپرست سازمان جنگلها و مراتع آبخیزداری کشور در شهرستان سیرجان به مناسبت ایام الله دهه فجر افتتاح شد. در حوزه آبخیز پلنگی سفلی شهرستان سیرجان ۴ عدد بندسنگ ملاتی و ۶۲ بند خشکه چین با حضور دکتر شهبازی معاون وزیر جهاد کشاورزی و سرپرست سازمان جنگلها و مراتع آبخیزداری کشور، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان، مدیر کل متابع طبیعی و مسئولین محلی به بهره‌برداری رسید.

با انجام این عملیات آبخیزداری ۲۵ درصد از حوزه آبخیز شامل ۲۰۴۵ هکتار تحت پوشش قرار خواهد گرفت ضمن عملیات آبخیزداری انجام شده ۷۸۰ هزار متر مکعب روان آب، مدیریت و فرسایش ۱۴۰۰۰ تن متطقه تحت کنترل قرار می‌گیرد و در حدود ۳۹۰ هزار متر مکعب آب وارد سفره‌های زیرزمینی می‌شود.

گفت‌وگوی اختصاصی

مدرس دانشگاه در گفتگو با پیام آشنا:

مدیر، استاد و دانشجوی خوب، به دانشگاه اعتبار می‌بخشد

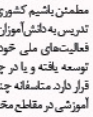

فرزانه یوسفیان

اگر می خواهیم یک کشور را کشوری توسعه یافته بنامیم، نیازی نیست به صادرات و واردات، صنعت و کشاورزی و یا تعداد کارخانه‌های آن توجه کنیم، بلکه نخستین و مهم‌ترین آیتم آموزش است. اینکه آن کشور توانسته افرادی خلاق، صبور، نظم پذیر، اخلاق مدار، پرسشگر و اهل گفتگو پرورش و آموزش دهد می تواند به پیشرفت آن امیدوار بود. مطمئن باشیم کشوری که آموزش و چگونگی تدریس به دانش آموزان و دانش جویان را اولویت فعالیت‌های ملی خود می‌داند قطعا کشوری توسعه یافته و یا در جهت قدمی توسعه پایدار قرار دارد. متاسفانه چندی است توجه به نظام آموزشی در مقاطع مختلف به خصوص آموزش عالی، این حوزه مهم را با معضلات و مشکلات بسیاری روبرو کرده است. برای آگاهی از این مشکلات و دانستن راهکارهای مناسب برای برون رفت از اوضاع کنونی، گفتگویی با حامد نصرآبادیان دکتری طراحی حرکت (کارگردانی سایلنت تئاتر) از دانشگاه لوراسیا گرجستان و مدرس دانشگاههایی همچون هنرهای زیبا دانشگاه تهران، سوره، هنر و معماری تهران، اصفهان و... داشتم و از وی که بیش از دو دهه است تجربه‌ی تدریس در دانشگاه را دارد، مشکلات محیط آموزشی را بررسیم.

محیط دانشگاه‌ها مدتی است از فضای آموزشی صرف فاصله گرفته و این موضوع بر آنچه خروجی دانشجویان از دانشگاه است تاثیر گذاشته، نظر شما در این خصوص چیست؟

متاسفانه این روزها برخی از دانشکده‌های هنری تغییر کاربری داده‌اند. دانشگاه مکانی برای آموزش در سطح عالی طراحی شده و اولین گام این تغییر کاربری در بردانستن مهمترین اصل ورودی دانشگاه، یعنی کنکور اتفاق افتاده است.

هنگامی که چیدمان ورودی ها برای رشته های هنری علی الخصوص رشته نمایش به غلط اتفاق بیافتد و هر کسی با هر سطح دانش، سواد، فرهنگ، تربیت و نظام آموزشی کنار همدیگر بنشینند به هیچ عنوان نباید انتظار خروجی های فارغ التحصیل عالی داشت.

سال‌هاست منتظر آن اتفاق خاصی هستیم که در حوزه آموزش در دانشگاه‌ها بیافتد، به نظر شما چه آیتم‌هایی برای برون رفت از شرایط موجود و تغییر ساختار آموزشی داریم؟

دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها باید به همان شیوه‌ی آموزش عالی در زمان دهه شصت یا هفتاد برگردند. به جز تعدادی از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های معتبر ایران، دیگر مراکز، فاقد آزمون ورودی و گزینش هستند. در ابتدا اگر بخواهیم به دوران طلایی دانشگاه‌های ادوار گذشته بازگردیم، گذاشتن کنکور عملی و تئوری برای ورود دانشجویان اصلح به دانشگاه است. مطمئنا اولین انتخاب، هم‌سطح کردن قشر دانشجو و هم اندازه کردن سطح سواد است و مرحله بعد مرحله مدیریت گروه و چیدمان اساتید است.

سهولت در ورود دانشجویان به دانشگاه و ثبت‌نام بدون کنکور چه مزایا و معایبی برای سیستم آموزشی کشور دارد؟

از دیدگاه بنده با سابقه بیش از دو دهه آموزش در دانشگاه، تمام این اتفاق سراسر ضرر است و هیچ نفعی نه برای دانشجو، نه برای نظام آموزشی و تربیتی و نه برای هیچ گروه هنری و دانشکده ای دارد. بنا به این دلیل و فاکتور مهم که دانشجویان همسان و هم اندیش نیستند و در یک نیمکت و یک کلاس می نشینند، آن هایی که برای رسیدن به یک نقطه و هدف مشخص به دانشگاه ورود کردند، در کنار همکلاسی های دیگری قرار می گیرند که متاسفانه سطح سواد و دانش اندکی دارند و باعث نابودی آن دسته از دانشجویانی می شوند که با خرد و انگیزه ورود کردند و برای خودشان هدفی طراحی کردند.

حضور افرادی ناصالح که به عنوان دانشجوی بر کرسی آموزش عالی می‌نشینند، متاسفانه باعث عدم کیفیت مطلوب، در مقطع فارغ التحصیلی و نامگذاری نام معتبر دانشگاه ها و گروه های مختلف هنری خواهند شد.

هر سال شهریه‌های دانشگاه برای دانشجویان افزایش می‌یابد اما متاسفانه حق التدریس اساتید به نسبت افزایش شهریه، رشدی ندارد. این تناقض در دریافت و پرداخت مشکلات بسیاری را سبب می‌شود. دیدگاه خود را به عنوان مدرس دانشگاه در این خصوص بیان کنید؟

ترسم که اشک در غم ما پرده در شود/ وین راز سر به مُهر به عالم خبر شود

متاسفانه میزان دریافتی هزینه شهریه از دانشجو و پرداختی به اساتید، حساب های زیر و بم زیادی دارد. تا زمانی که شهریه از سوی دانشجویان به صورت کلی به حساب دانشگاه واریز نشود، دانشجو اجازه ورود به کلاس را ندارد و از طرفی دیگر اساتید پس از یک ترم تحصیلی، در ماه پنجم یا ششم حق التدریس خود را دریافت می کنند و این حساب، حساب کاملا اشتباه و غلطی است. حتی اگر یک معلم را در نظام جامعه شناسی یک کارگر محسوب کنیم، حضرت علی فرمودند که حقوق کارگر را قبل از اینکه عرقش خشک شود به او باید پرداخت کرد ولی متاسفانه و ای داد و ای بیداد که این اتفاق هرگز در دانشکده ها و خصوصا در دانشگاه های هنری و رشته تئاتر اتفاق نمی افتد و ما متاسفانه مجبوریم به سبب علاقتی خودمان به کلاس هایمان برویم و تمام انرژی خودمان را با عشق به دانشجویان تقدیم کنیم، ولی متاسفانه از نظر اقتصادی هرگز آن هزینه که از دریافت می کنیم، با آن عشقی که پرداخت می کنیم اصلا همسو، هم اندازه و هم قیاس نیست. یک معلم برای یک ساعت آموزش در یک کلاس هرگز فقط یک ساعت آموزش نمی دهد، آن معلم بیش از بیست و سال و یک ساعت را برای دانشجو خرج می کند. متاسفانه در دانشکده ها با مدیران گروه اصلح و فهمیده ای که به این مهم توجه کنند و قدرشناس میزان عشق معلمان باشند، مواجه نیستیم.

برخی از اساتید تنها به دلیل داشتن مدرک کارشناسی ارشد و بدون داشتن آگاهی صحیح از نحوه و چگونگی تدریس که قطعا رشد دانشجو را به همراه دارد، در دانشگاه‌ها مشغول به کار هستند؛ آیا نباید برای اساتدان دانشگاه نیز دوره های آموزشی گذاشته شود؟

برخی از دانشگاه ها به دلیل پذیرش بیش از حد مجاز دوطلبان برای ورود به دانشکده های معتبر، مجبور به چیدمان اشتباه مکان و استاد آموزش هستند. طبیعی است وقتی که یک دانشکده و گروه نمایش برای ترم مهرماه، ۹۰۰ نفر دانشجو برای کلاس های خود ثبت نام می کند، بزرگترین معضل این گروه در مکان آموزش و استاد آموزش ایجاد می شود. مدیر گروه شاید بتواند مکان آموزش را حل کند، اما استاد چه؟ اولین گزینه ای که پیش روست چیدمان غلط اساتید در بخش واحدهای تخصصی است و هر فردی که در مقطع کارشناسی ارشد دانشجو است و در حال گذراندن واحدهای آخر خود است، از وی دعوت می کنند که برای تدریس بیاید.

این تصمیم هم به نفع دانشگاه است که هزینه استاد متخصص را به آن استاد نخواهد داد و از طرف دیگر برای استاد تازه کار هم خوب است که بتواند سابقه تدریس در دانشگاه را در رزومه کاری خود داشته باشد. حال چه اتفاقی برای دانشجویی که این استاد تربیت می کند می افتد، باید بنشینیم و نظاره گر باشیم که سال های بعد چه اتفاقی در منظر حوزه تئاتر، فارغ التحصیلان و کارشناسان حوزه نمایشی می افتد.

یکی از کارهایی که می توان برای این اساتید انجام داد برگزاری مستر کلاس، کارگاه ها و ورک شاپ هایی است که توسط استادان خبره همان واحد آموزشی است. چنان چه یک استاد نزدیک به دو یا سه دهه سابقه ی آموزش در یک واحد آموزشی خاص را دارد و به عنوان پیشکسوت جامعه مدرسین از وی نام می برند، بهترین گزینه برای آموزش دانشجویان فارغ التحصیلی هستند که به عنوان استاد مشغول به کار شده اند.

آیا بر نحوه تدریس اساتید و خروجی تحصیلی دانشجویان پس از چهار سال درس خواندن در محیط های دانشگاهی، نظارتی می‌شود؟

متاسفانه به شکل محسوس یا نامحسوس این اتفاق برای جامعه مدرسین نمی افتد. یکی از نکاتی که دغدغه ی این روزهای آموزش من در دانشکده هاست، برگه های نظرسنجی است که بین دانشجویان توزیع می شود. این برگه ها به دانشجویان در پایان هر ترم به دانشجو داده می شود که سطح کیفیت آموزش استاد را بررسی کنند و برای خودشان مشخصه هایی را اعلامت گذاری می کنند و به گروه ارائه دهند. چندی پیش با مدیر محترم گروه درباره همین ماجرا صحبت کردم که چرا این برگه ها داده می شود و لزومی با چه سیاستی ارائه، دریافت و اعمال نظر می شود.

یکی از اتفاق هایی که می تواند برای آموزش نوین و آموزش درست سرزمین ما در مقطع آموزش عالی بیافتد، بررسی سطح سواد و دانش استاد و میزان رضایت دانشجوست. در معتبرترین دانشگاه های اروپایی آنچه که اتفاق می افتد برای استاد یک نامگذاری و کرسی گذاشته می شود تا بعد از چند سال آن ها به فرصت مطالعاتی دعوت می شوند تا سطح سواد و دانش خودشان را ارتقا دهند و همچنان یک مطلب تکراری را به دانشجویان نگویند چراکه جهان علم در حال پیشرفت است و هیچ گاه پسرفت نمی کند و در جا هم نمی زند. متاسفانه این اتفاق در هیچ کدام از گروه ها و دانشکده های ایران نمی افتد. اگر هم بیافتد هرگز با ضوابط خودش نمی افتد و قطعا روابط پیشی می گیرد.

یکی از معضلات بزرگ من در سطح آموزش هم همین مسئله است و این چیزی نیست که امروز و فردا درست شود، بلکه اگر میخواهیم یک آموزش درست داشته باشیم باید یک مدیر درست داشته باشیم.

شما به عنوان مدرس دانشگاه با چه مسائلی در این محیط آموزشی روبرو هستید؟

در کنار مباحثی که در سوال های پیشین به آن پرداخته شد، نخستین بحث اخلاق است. جامعه ی امروز ما متاسفانه جامعه ی اخلاق مدار نیست و نظام آموزشی ما هم تابع همین جامعه است. سیستم چیدمان ناصحیح و نازیبا در مقطع آموزش عالی اطمه های بزرگ و جبران ناپذیری را به سازه ی نظام آموزش هنری ما می زند. بزرگترین معضل من عدم رعایت اخلاق در کشور و نظام آموزشی است. استفاده کردن از دوطلبان و دانشجویانی که صلاحیت اخلاقی ندارند و چیدمان نامناسب کلاس را به ورطه نابودی می کشاند.

سخن، پیشنهاد و یا انتقادی درخصوص نحوه آموزش در دانشگاه دارید؟

از نظر من هر شخصی نمی تواند مدیر باشد همان طور که هر شخصی نمی تواند استاد باشد و به همین شکل هر کس نمی تواند دانشجو باشد. برای اینکه در دانشگاه اتفاقات نوین و اتفاق های به روزی باشد و ما آموزش مان را در سطح آموزش عالی به مراتب عالی تر از ادوار گذشته کنیم، سه نام، مدیر، استاد و دانشجو باید اصلاح شود.

F.Yousefianpour@Gmail.com

بریده جراید

تن به تیغ ممیزی نمی‌دهم

ایران: مریم شهبازی - «محمد رحیم اخوت» از معدود بازماندگان «جُنگ اصفهان» است؛ یکی از یاران آن حلقه مشهور ادبی که تام بزرگانی همچون ابوالحسن تجفی، احمد میرعلایی، هوشنگ گلشیری و محمد حقوقی به آن گره خورده. جمعی که تمی توان متکر جریان سازی و دریای پررنگشان بر پیکر ادبیات معاصر فارسی شد. این نویسنده پیشکسوت و متنقد ادبی کشورمان با وجود خلق آثاری ماندگار، این روزها شرایط جسمی چندان مساعدی برای خواندن و نوشتن ندارد؛ با این حال آن طور که در گفتگو با «ایران» عنوان کرده: «اگر بررس‌های اداره کتاب، بگذارند. «تا وقتی کسی هست» تازه‌ترین و شاید هم آخرین نوشته‌ام بالاخره راهی بازار کتاب می‌شود.»

«نامه سرمدی» آخرین رمانی است که از سوی شما و طی یک سال اخیر در دسترس علاقه مندان قرار گرفته؛ اثری که نام آن در فهرست نیمه نهایی داوری نهمین دوره جایزه هفت اقلیم هم دیده می‌شود؛ چقدر به اثرگذاری جوایز ادبی، اعم از دولتی و خصوصی معتقدهستید؟

علاقه چندانی به صحبت درباره جوایز ادبی ندارم. آنقدر که حتی چند مرتبه‌ای هم از بررسی آثارم در برخی رویدادهای ادبی انصراف داده‌ام.

حداقل مختصری از داستان این رمان بگویید و اینکه همچون دیگر نوشته‌های شما در حال و هوای قدیمی کوچه-خیابان‌های اصفهان به تصویر کشیده‌شده؟

«نامه سرمدی» رمانی است که بعد از چهار سال انتظار بالاخره اواخر سال گذشته بدون ممیزی منتشر شد. اشاره مختصری به داستان آن خواهم داشت و اطلاع از نکات بیشتر را متوط به مطالعه کتاب از سوی علاقه متندان می کنم. «نامه سرمدی» ماجرای دختری به نام سرور سرمدی و نامه‌های کمابیش پراکنده‌ای است که برای من فرستاده. شاید از مطالعه همین چند سطر گمان کنید با اثری صدرصد واقعی روبه‌رو هستید، اما ابتطور نیست و گذشته از جغرافیای رمان، بخش‌های عمده آن آمیخته با تخیل است. همانطور که اشاره کردید حال و هوای رمان به سال‌های دهه شصت تو جوانی‌ام در گوشه و کنار اصفهان بازمی گردد. از همین رو افتراق نیست اگر بگویم که بستر جغرافیایی آن و از سویی حال و هوای شهری که به تصویر کشیده‌ام برگرفته از تجربیات خودم به شمار می‌آید و شاید چندان هم نتوان آن را اثری تخیلی دانست.

سرانجام انتشار «تا وقتی کسی هست» به کجا رسیده؟

«تا وقتی کسی هست» را مدتها قبل به ناشر سپرده‌ام؛ با این حال هنوز خبری نشده و تا جایی که اطلاع دارم گرفتار رفت‌وروف‌های اداره کتاب و ممیزی برس‌های ارشاد شده است. گویا به بخش‌هایی از کتاب اصلاحیه و حذف خورده که تبدیرفتنام با همه تلاش و زمانی که صرف تألیف آن کردم بی‌هیچ تعارفی هرگز تن به ممیزی‌اش نخواهم داد و اگر قرار به حذف و تغییر بخش‌هایی از آن باشد ترجیح می‌دهم هرگز روانه کتابفروشی‌ها نشود. بارها گفته‌ام، هم‌اکنون هم می‌گویم که به هر قیمتی حاضر به انتشار نوشته‌هایم نیستم. خودم هم تمی‌دانم، بالاخره تکلیف این کتاب چه می‌شود! اما ابیدولوم تیغ ممیزی آن را از میان تبرد.

پیش‌تر گفته بودید که «تا وقتی کسی هست» زندگی‌نامه خودتوست شما به شمار می‌آید.

شاید بهتر باشد بگویم که بخشی از زندگی‌ام را شامل می‌شود؛ بخش عمده‌ای از این کتاب درباره همسرم است که سال‌ها پیش با زندگی بدرود گفته و از همین بابت هم آن را «تا وقتی کسی هست» نام نهاده‌ام. البته این کتاب هم به طور کامل واقعی نیست و بخش‌هایی از آن آمیخته با تخیل است.

دوری مخاطبان از مطالعه را تنها تحت تأثیر نفوذ تکنولوژی می‌دانید یا دلیل دیگری هم برای آن قائل هستید؟

این سوالی نیست که بتوانم با قطعیت درباره‌اش صحبت کنم. منتها نظر شخصی خودم بر این است که تلفن همراه و فضای مجازی تفنن عمده‌ای در دور کردن مردم از کتابخوانی داشته آنقدر که خودم هیچگاه تلفن همراه تخریدنام.

از روزگار برپایی «جُنگ اصفهان» و حضور بزرگانی از جمله خودتان در آن، سال‌ها می‌گذرد، فکر می‌کنید باز هم شرایطی فراهم شود که شاهد اثرگذاری چنین محفل‌هایی بر ادبیات امروزمان باشیم؟

نه. گمان نمی‌کنم هرچند که مدت‌هاست که شرایط جسمانی‌ام امکان حضور در محفل‌های ادبی را از من گرفته است. با این حال فکر نمی‌کنم دیگر شاهد عبور جریان‌های ادبی معاصر از تقاط جغرافیایی کشورمان شبیه تفنن جهان اصفهان و چهره‌های ادبی‌اش باشیم. با تأثیر جوب کشور در بحث ترجمه باشیم. باز هم نمی‌دانم! شاید اگر امکان حضور در محفل‌ها و دورهمی‌های ادبی را داشتم پاسخ متفاوتی به سؤال تان می‌دادم. در آن سال‌هایی که بزرگانی همچون ابوالحسن تجفی از جمله یاران حلقه ادبی اصفهان بودند به طور ملموم برای ده شماره نشریه‌ای که ماهانه منتشر شد، انتشار شماره یازدهم آن را من و احمد میرعلایی و علی خدایی به عهده داشتیم. بعد از یازدهمین شماره دست از کار کشیدیم چرا که متوجه شدیم دوره چنین کارهایی گذشته و باتوج دیگری از مخاطبان طرف هستیم. هر چند که بخشی از پایان انتشار این ماهنامه تحت تأثیر رفتن ابوالحسن تجفی بود که نقش مهمی در گردهم آمدن یاران «جُنگ اصفهان» ایفا می‌کرد! او به تهران عزیمت کرد و فرد دیگری این کار را نکرد.

اصفهان در نوشته‌های شما و دیگر نویسندگانی همچون زنده یاد گلشیری یا حتی علی خدایی حضور پررنگی دارد؛ این مسأله به تجربه‌های زیستی تان بازمی گردد یا دلیل دیگری دارد؟

با بخش نخست سؤال تان بیشتر موافق هستم؛ تردیدی نیست که بخش عمده‌ای از نوشته‌های نویسندگان تحت تأثیر تجربه‌های زیستی آنان در جغرافیای محل زندگی آنان است. این مسأله حتی شامل حل نویسندگانی می‌شود که دست به خلق آثار صرفاً تخیلی می‌زنند و می‌توان حضور تقریمستقیم آن را در نوشته‌هایشان احساس کرد.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۹۸۰۲۶۰۰۶۰۰